



معنی و مفهوم لواط در قرآن و احادیث

بهمن فتاحی

کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۴۲۷-۴۱۴

چکیده: لواط همجنس بازی مردان در فقه اسلام و قوانین مجازات اسلامی که عمل زشت همبستری و طی دو انسان دو مذکر و جمع شدن آن دو با یکدیگر برای اطفای غریزه جنسی به کار می رود. این عمل از جمله انحرافات جنسی می باشد که در شرع مقدس از قبیح ترین اعمال به حساب می آید. نسبت به حرمت لواط اتفاق نظر فقها وجود دارد و از جمله ضروریات دین شمرده می شود. قانون گذار به تبعیت از شرع مقدس اسلام لواط را جرم دانسته و برای آن مجازات سنگینی تعیین نموده است. مستند شرعی حکم لواط آیه ۴ سوره اعراف و آیات ۵۴ و ۵۵ سوره نمل و روایات شرعی است. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در موارد ۲۳۳ و ۲۳۴ به تعریف و بیان مجازات این جرم پرداخته و در حال حاضر ماده ۲۳۳ رکن قانون لواط را تعریف می نماید.

واژه های کلیدی: لواط - جرایم جنسی - همجنس بازی مردان



مقدمه:

عمل همجنس‌بازی امروز رزایل شوم و تأسف‌باری را بیش از پیش سایه‌اش را بر بشر گسترانیده که از جمله جرایمی است که در قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و از نظر فقهی حرمت آن دارای سوابق زیادی می‌باشد و در کتب فقهی به صورت مختصر بدان پرداخته شده است. جرایم همجنس‌بازی لواط یا همان همجنس‌بازی مذکر می‌باشد که در عصر حاضر آثار مخرب و ننگینی را به بار آورده است که از جمله این آثار مخرب می‌توان به بیماری ایدز (HIV) اشاره نمود. از بعد بررسی تخصصی این جرم ارکان تشکیل دهنده آن، نحوه اثبات، میزان مجازات و نحوه سقوط این جرم با توجه به قانون مجازات جدید پرداخته می‌شود. اشخاصی که مرتکب این عمل شنیع می‌شوند حق خداوند متعال را نادیده گرفته‌اند که با پیروی از قوم زشت و فاسد لوط مرتکب این جنایت می‌شوند تا جایی پیشرفت کرده‌اند که در دول غربی این عمل زشت بصورت قانون درآمد و به عنوان هنجار اجتماعی شناخته شده است و توجیه ناشایست آنها بر این است که از آن به چشم منع ازدیاد نسل و سقوط اقتصادی جامعه نگاه دارند.

بنابراین ضرورت ایجاب می‌نماید که در خصوص جرم لواط و سؤالات مربوط به آن تحقیقاتی بصورت اختصاصی و با نگاهی جامع و کامل‌تر از نظر حقوقی و فقهی بررسی کنیم. آنچه را که ما در این مقاله باید بر آن مانور بدهیم موانع لواط است که خود یک موضوع از چند موضوعی است که در مورد جرم لواط است. منظور از همجنس‌بازی مردان آن است که کسانی که مرتکب این عمل زشت و ناپسند می‌شوند در چه صورت حدّ بر آنها جاری می‌شود و در چه حالت‌هایی ساقط می‌گردد.

لواط به معنای همجنس‌بازی مردان اعم از دخول یا سایر استمناعات است هرچند دومی به دلیل شرعی موضوع حدّ نیست و از گناهان کبیره، فاحشه و زشت است. در ناپسندی قوم لوط همگی به این جرم و عمل شنیع به بلای بزرگ دچار گشته و دوزخ نیز در انتظار آنان است و شهرشان ویران و مایه پند و عبرت آیندگان شد. خداوند نطفه را ایجاد نمود تا مایه بقای نسل و نوع انسان شود که بایستی در رحم زن قرار گیرد لذا خداوند با توجه به این عمل خلاف انسانی در سوره‌های اعراف، هود، نمل، عنکبوت، قمر و نجم، لوط را یادآوری و در خصوص عذابشان تذکر داده است تا برای دیگران عبرت شود.

در تماس جنسی دو مرد چه دخول صورت بگیرد و چه بصورت تفریض و غیر آن باشد که دخولی صورت نمی‌گیرد. اکثر فقها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در تحقق لواطی که منجر به حدّ است باید دست کم مقدار حشفه داخل شده باشد و به عملیات جنسی بدون دخول لواط کفشی از باب مجاز است.

در واقع لواط به معنای عملی است که قوم لوط مرتکب بلکه مبدع آن عمل زشت شدند. اخیراً عبارت نوظهور داعش که مخفف دولت اسلامی عراق و شام است مشتقات مختلفی مانند تدعش و غیره ساخته شده است.

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



گفتار اول: مفهوم لواط در فقه

شخص آزاد و عاقلی که با اختیار و بدون آنکه مجبور باشد، اقرار کند که آلت مردانگی خود را گرچه به اندازه حشفه در پشت مذکری فرو کرده است، یا آنکه چهار گواه مرد عادل بر علیه او شهادت دهند که این کار را از او دیده‌اند، کشته می‌شود خواه محصن باشد و خواه نباشد.

(نحوه کشتن) او یا به شمشیر یا به سوزاندن با آتش یا به وسیله سنگسار یا فرو ریختن دیوار بر او یا به فرو افکندنش از بلندایی مانند دیوار بلند است.

می‌توان میان دو کیفر از این کیفرها که یکی از آنها آتش زدن باشد، جمع کرد و کیفر دیگر یکی از آن چهار کیفر (پیش‌گفته) باشد. بدین‌گونه که (نخست) با شمشیر کشته یا سنگسار یا تیرباران شود و سپس سوزانده شود.

و الْمَفْعُولُ بِهِ قَتِيلَ كَذَلِكَ إِنْ كَانَ بَالِغًا عَاقِلًا مُخْتَرًا؛

و يُعْزَرُ الصَّبِيُّ فَاعِلًا وَ مَفْعُولًا؛

و يُؤَدَّبُ الْمَجْنُونُ كَذَلِكَ. وَ التَّأْدِيبُ فِي مَعْنَى التَّعْزِيرِ هُنَا وَ إِنْ افْتَرَقَا مِنْ حَيْثُ أَنَّ التَّعْزِيرَ يَتَنَاوَلُ الْمُكَلَّفَ وَ غَيْرَهُ، بِخِلَافِ التَّأْدِيبِ.

وَ لَوْ أَقْرَبَهُ دُونَ الْأَرْبَعِ لَمْ يُحَدَّ كَالِإِقْرَارِ بِالزُّنَا وَ عَزُّرًا.

وَ لَوْ شَهِدَ عَلَيْهِ دُونَ الْأَرْبَعِ أَوْ اخْتَلَّ بَعْضُ الشَّرَائِطِ وَ إِنْ كَانُوا الْأَرْبَعَهُ، حُدُّوا لِلْفَرِيهِ.

وَ يَحْكُمُ الْحَاكِمُ فِيهِ بِعَلْمِهِ كَغَيْرِهِ مِنَ الْحُدُودِ، لِأَنَّهُ أَقْوَى مِنَ الْبَيِّنَةِ.

کسی که مفعول واقع شده باشد (یعنی کسی که با او عمل لواط شده است) نیز در صورتی که عاقل، بالغ و مختار باشد کشته می‌شود.

و کودک چه فاعل باشد و چه مفعول تعزیر می‌شود.



و دیوانه نیز همین‌گونه تنبیه می‌شود (خواه فاعل باشند و خواه مفعول) تنبیه نیز در این جا به همان معنای تعزیر است گرچه این دو با هم تفاوت دارند، از آن رو که تعزیر هم شامل مکلف می‌شود و هم غیرمکلف (چون دیوانه و کودک)، برخلاف تنبیه (که فقط ویژه غیرمکلفان است).

اگر کسی کمتر از چهار بار اقرار کند حدّ بر او جاری نمی‌شود و تعزیر می‌شود.

و اگر گواهی که شماره آنها به چهار مرد نرسد، گواهی دهند یا اگر چهار نفر هستند فاقد برخی از شرایط گواهی باشند، (کار آنها تهمت ناروا تلقی شده) و به جهت إفتراء حدّ (قذف) می‌خورند. (مانند اقرار به زنا که هم اقرار کمتر از چهار بار در آن حدّ را ایجاب نمی‌کند و موجب تعزیر بود و هم گواهان کمتر از چهار نفر در آن حدّ را ثابت نمی‌کنند و خود حدّ قذف می‌خورند).

در این باره (یعنی درباره لواط نیز) قاضی می‌تواند به علم خود حکم کند. مانند دیگر حدود زیرا (چنانکه پیش از این نیز گفته باشد) علم قاضی از (ظنّ) قوی‌تر است.

وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْفِعْلُ إِبْقَابًا كَالْتَفْحِيدِ أَوْ جَعَلَ الذَّكْرَ بَيْنَ الْإِلْيَيْنِ فَحَدُّهُ مَائَةٌ جَلْدُهُ لِلْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولُ مَعَ التَّبَلُّغِ وَالْعَقْلِ وَالْإِخْتِيَارِ كَمَا مَرَّ.

وَ قِيلَ يَرَجَمُ الْمُحْصَنُ وَ يُجْلَدُ غَيْرُهُ.

وَ قِيلَ يَقْتَلُ مُطْلَقًا.

اگر همجنس‌بازی با داخل کردن آلت مردانگی نباشد، مانند مالیدن ران‌ها به یکدیگر یا قرار دادن آلت بین دو کپل (این اعمال تفخیز نامیده می‌شوند) و حدّ آن برای فاعل و مفعول یکصد تازیانه است. البته در صورتی که عاقل بالغ دارای اختیار باشند، چنانکه گذشت.

و گفته شده: اگر همجنس‌باز مُحْصَن چنان نکند حدّ او سنگسار است و در صورتی که غیر مُحْصَن باشد یکصد تازیانه (می‌خورد).

و (در نظریه دیگری) گفته شده: در هر صورت کشته می‌شوند (خواه نرینه را داخل کرده باشند و خواه داخل نکرده باشند).

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



وَلَوْ تَكَرَّرَ مِنْهُ الْفِعْلُ الَّذِي لَا يُوجِبُ الْقَتْلَ إِبْتِدَاءً مَرَّتَيْنِ مَعَ تَكَرَّرِ الْحَدِّ عَلَيْهِ بِأَنْ حُدَّ مَرَّةً قُتِلَ فِي الثَّلَاثَةِ؛ لِأَنَّهُ كَبِيرَةٌ وَأَصْحَابُ الْكِبَائِرِ مُطْلَقًا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ، لِرَوَايَةِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلُّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ فِي الثَّلَاثَةِ».

وَالْأَحْوَطُ فِي الرَّابِعَةِ لِرَوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الزَّانِي إِذَا جُلِدَ ثَلَاثًا يُقْتَلُ فِي الرَّابِعَةِ».

وَإِنَّ الْحَدَّ مَبْنِيٌّ عَلَى التَّخْفِيفِ،

وَإِلَّا حَتِيَاطٍ فِي الدِّمَاءِ؛

وَتُرَجَّحُ هَذِهِ الرِّوَايَةُ بِذَلِكَ وَبِأَنَّهَا خَاصَّةٌ، وَتِلْكَ عَامَّةٌ، فَيُجْمَعُ بَيْنَهُمَا بِتَخْصِصِ الْعَامِّ بِمَا عَدَا الْخَاصَّ وَهُوَ الْأَجْوَدُ.

اگر کاری که نخستین بار موجب کشتن نیست (یعنی همان تفخیز) دو بار تکرار شود و هر دو بار بر فاعل حد جاری شده باشد در سومین بار کشته می شود زیرا این کار گناه کبیره است و مرتکبان همه گناهان کبیره در صورتی که دو بار بر آنها حد جاری شده باشد در سومین مرتبه کشته می شوند به دلیل روایت یونس از امام موسی کاظم (ع) که فرمودند:

«مرتکبان کبیره هرگاه دو بار بر آنان حد جاری شود در سومین نوبت کشته می شوند.»

و موافق تر با احتیاط آن است که در نوبت چهارم کشته شود. به دلیل روایت ابی بصیر که به نقل از امام صادق (ع) می گوید:

«زناکار هرگاه سه بار حد خورده باشد در چهارمین بار کشته می شود.»

(همچنین) به دلیل اینکه بنای حد (همیشه) بر تخفیف است.

نیز برای احتیاط در مسئله خون ها (و جان ها که یکی از مسائل بسیار مهم است).

به دلایل بالا گفته و نیز به دلیل آنکه روایت اخیر خاص (و ویژه حد زنا) است. اما آن یکی عام بوده (و درباره همه گناهان کبیره سخن می گوید) روایت اخیر بر روایت پیشین ترجیح می یابد؛ بنابراین (طبق قاعده)، جمع میان دو روایت، با تخصیص عام به وسیله



خاص میسر است. (بدین معنا که در همه گناهان کبیره دلیل نخست حاکم است) (مجرم در سومین مرتبه پس از اجرای دو حد کشته می شود مگر در زنا و لواط که به حکم روایت اخیر که خاص زناست در چهارمین بار و پس از اجرای سه حد کشته می شود). و این نظریه جمع بهتر است.

وَلَوْ تَابَ قَبْلَ قِيَامِ الْبَيِّنَةِ سَقَطَ الْحَدُّ عَنْهُ، قَتْلًا أَوْ رَجْمًا أَوْ جُلْدًا عَلَى مَا فَضَّلَ.

وَلَوْ تَابَ بَعْدَهُ لَمْ يَسْقَطِ الْحَدُّ.

وَكَذَا لَوْ تَابَ مَعَ الْإِقْرَارِ؛

وَلَكِنْ يَتَخَيَّرُ الْأَمَامُ فِي الْمُقِرِّ قَبْلَ التَّوْبَةِ بَيْنَ الْعَفْوِ وَالْإِسْتِيفَاءِ كَالزَّانَا.

وَيُعَزَّرُ مَنْ قَبْلَ غُلَامًا بِشَهْوِهِ بِمَا يَرَاهُ الْحَاكِمُ، لِأَنَّهُ مِنْ جُمْلَةِ الْمَعَاصِي؛

وَكَذَا يُعَزَّرُ الذَّكَرَانِ الْمُجْتَمِعَانِ تَحْتَ إِزَارٍ وَاحِدٍ مُجَرَّدَيْنِ وَلَيْسَ بَيْنَهُمَا رَحِمٌ مِنْ ثَلَاثِينَ سَوَاطِئَ إِلَى تِسْعِينَ وَتِسْعِينَ عَلَى الْمَشْهُورِ.

اگر (همجنس باز) پیش از آنکه گواهان گواهی دهند توبه کند، حد از او ساقط می شود خواه (حد او) کشتن باشد، یا سنگسار یا تازیانه به تفصیلی که (در شمارش حدود) گفته شد.

اما اگر پس از گواهی گواهان توبه کند حد ساقط نمی شود.

همچنین است اگر همراه با اقرار (یعنی پس از آن) توبه کند.

اما امام در مورد اقرار کننده ای که پیش از توبه اقرار کرده است مخیر است که اقرار کننده را عفو کند یا حد را (بر او) جاری کند همانگونه که در زنا عمل می کرد.

کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد، به اندازه ای که حاکم صلاح بداند، تعزیر می شود. زیرا این کار نیز در زمره گناهان است.

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



همچنین براساس نظریه مشهور فقیهان دو نفری که برهنه زیر یک لحاف باشد و با یکدیگر خویشاوندی نداشته باشد تعزیر می‌شوند (و تعزیر ایشان می‌تواند) از سی تازیانه تا نود و نه تازیانه (باشد یعنی تا آنجا که به اندازه حد نرسد).

گفتار دوم:

معنی لواط در قرآن و احادیث

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَ امْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ (که آن‌ها را در هم کوبید و نابود ساخت) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! چنانچه از حضرت امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) رسیده بلکه حرمت و عقوبت آن از زنا شدیدتر است. از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است است که: «عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: سمعته یقول حرمة الدبر اعظم من حرمة الفرج و ان الله اهلك امه لحرمة الدبر و لم یهلك احداً لحرمة الفرج؛ حرمت لواط از زنا بیشتر است، به درستی که خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود، (قوم لوط) ولی کسی را برای زنا هلاک نفرمود.» و امام رضا (علیه السلام) فرمود: «وَاعْلَمُ أَنَّ حُرْمَةَ الدَّبْرِ اعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْفَرْجِ لِانَّ اللَّهَ اَهْلَكَ امَّةً بِحُرْمَةِ الدَّبْرِ وَ لَمْ يُهْلِكْ احِداً بِحُرْمَةِ الْفَرْجِ»^{۱۵} بدان که حرمت لواط از زنا بیشتر است؛ زیرا خداوند قومی را (قوم لوط) به خاطر عمل لواط هلاک کرد، ولی کسی را برای زنا هلاک نکرد.»

از حضرت رسول اکرم (ص) مروی است که فرمود: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) من جامع غلاماً جاء يوم القيمة جنباً لا ينقيه ماء الدنيا و غضب الله عليه و لعنه و اعدله جهنم و ساءت مصيراً ثم قال ان الذكر يركب الذكر فيهتز العرش لذلك و ان الرجل ليؤتى في حقبه فيحبسه الله على جسر جهنم حتى يفرغ الله من حساب الخلاق. ثم يؤمر به الى جهنم فيعذب بطبقاتها طبقة حتى يرد اسفلها ولا يخرج منها؛ کسی که با پسری جمع شود روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و آب دنیا او را پاک نمی‌کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می‌فرماید و بد جایگاهی است. سپس فرمود: «هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه درآید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می‌فرماید و ملوط (مفعول) را در کنار جهنم نگه می‌دارند تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می‌اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود»



Iran Academy of
Science and Technology

کفر بودن لواط

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «اللواط مادون الدبر و الدبر هو الکفر؛ لواط (که از گناهان کبیره است و این عقوبت‌ها را دارد)، مادامی است که دخول در مخرج نشود، اما حکم دخول در دبر اگر آن را حلال بدانند کفر است زیرا منکر ضروری دین گردیده و اگر آن را «حلال ندانند، در شدت و طول عذاب مانند کفر است»

عن حذیفه بن منصور قال: سئلت ابا عبدالله (علیه السلام) عن اللواط فقال: ما بین الفخذین، و سئلته عن الذی یوقب، فقال (علیه السلام) ذاک الکفر بما «لما» انزل الله علی نبیه (صلی الله علیه وآله وسلم)؛ حذیفه بن منصور گفت که از حضرت صادق (علیه السلام) از لواط که از گناهان کبیره است پرسیدم، حضرت فرمود: ما بین دوران است، پرسیدم از کسی که در دبر دخول می نماید فرمود که این عمل کفر و انکار آنچه خدا بر پیغمبرش فرستاده می باشد، یعنی انکار قرآن است»

سنگ عذاب هنگام مرگ

«عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (علیه السلام) فی قوله تعالی و امطرنا علیها حجارة من سجيل قال ما من عبد یخرج من الدنیا یتحل عمل قوم لوط - و فی روایة الوسائل من مات مصراً علی اللواط لم یمت الارماه الله تعالی بحجر من ذلک الحجارة تكون فیه منیته و لكن الخلق لایرونه؛ از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که: نیست بنده‌ای که عمل قوم لوط را حلال بدانند، (و در روایت دیگر کسی که بر لواط کردن اصرار داشته باشد). نمی میرد مگر اینکه در آن ساعت خداوند بر او سنگی از همان سنگ‌های عذابی که بر قوم لوط بارید، می اندازد و مرگ وی در خوردن همان سنگ است و برای اینکه رسوا نشود، خداوند آن سنگ را از نظر خلق پوشیده است»

عذاب‌های قوم لوط بر ظالمین

در قرآن مجید سه نوع عذاب برای قوم لوط بیان فرموده: صحیحه باریدن سنگ عذاب بر آنها، و زیر و روشن شدن شهرهای آنها بعد می فرماید: «و ما هی من الظالمین ببعید؛ عذابی که بر قوم لوط نازل شد از ظلم کنندگان دور نیست.» و این تهدید سختی است به کسانی که عمل آنها را مرتکب شوند.

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



ملحق شدن لاطی به قوم لوط

غلامی که مولایش را کشت: در زمان عمر، غلامی که مولای خودش را کشته بود پس از اقرار، عمر امر به کشتنش نمود، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از غلام پرسید چرا مولای خودت را کشتی؟ عرض کرد به زور با من لواط کرد پس او را کشتم آن حضرت از اولیای مقتول پرسید آیا او را دفن کرده‌اید؟ گفتند: آری هم اکنون از دفنش می‌آییم پس به عمر فرمود غلام را تا سه روز نگهدار و پس از سه روز اولیای مقتول حاضر شوند.

پس از گذشتن سه روز آن حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند از اولیایش پرسیدند این قبر صاحب شماست؟ گفتند: آری، سپس فرمود قبر را بشکافید تا به لحد برسید، چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند جنازه را ندیدند، پس آن حضرت تکبیر گفت و فرمود: به خدا قسم دروغ نگفتم شنیدم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس از امت من، عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود پس در قبرش بیش از سه روز نمی‌ماند تا این که زمین او را فرو می‌برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده‌اند ملحق می‌نماید پس در زمره‌ی ایشان محشور می‌شود.

فاحشه بودن لواط

لواط هم فاحشه و زشت است: حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: بترس و ترک کن زنا و لواط را و لواط بدتر از زنا است و این دو گناه موجب هفتاد و دو گونه درد در دنیا و آخرت برای صاحبش می‌شود. در قرآن مجید چنانچه از زنا به فاحشه تعبیر فرموده این عمل شنیع را هم فاحشه خوانده چنانچه در سوره اعراف می‌فرماید: و لوطاً اذ قال لقومه اتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء؛ لوط به قوم خود گفت آیا کاری را می‌کنید که در نهایت زشتی است، پیش از شما کسی از افراد بشر گرد چنین کار زشتی نگشته، آیا شما با مردان جمع می‌شوید در هنگام شهوت و زنان را رها می‌کنید بلکه شما اسراف‌کنندگانید.»

راه‌های جلوگیری از لواط

برای جلوگیری از پیش آمدن چنین عمل شنیعی چند چیز را که مقدمات قریبه و بعیده‌ی آن است تحریم فرموده:

نگاه شهوت آلود

نگاه کردن از روی شهوت به جوان امرد (پسری که هنوز مو به صورتش در نیامده) حرام است و سوء اثر و شدت عقوبت نظر حرام در روایات، به تفصیل بیان شده است. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است که: «یاکم و اولاد الاغنیاء و الملوک المرء

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



فان فتنتهم اشد من فتنه العذاری فی خدورهن؛ فتنه جوان زیبای امرد از فتنه دختر باکره بیشتر است. پس بر هر مسلمانی واجب است از چشمان خود نهایت مواظبت را بکند که به چنین گناه بزرگی مبتلا نشود.»

بوسه‌ی شهوت

بوسیدن جوانی از روی شهوت حرام است چنانچه از حضرت صادق (علیه‌السلام) که پیغمبر (ص) فرمود: «من قبل غلاماً بشهوه الجمه الله تعالی بلجام من نار؛ کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در قیامت به لجامی از آتش لجام می‌فرماید»

و از حضرت رضا (علیه‌السلام) مروی است که: «و اذا قبل الرجل غلاماً بشهوه لعنته ملائكة السماء و ملائكة الارض و ملائكة الرحمه و ملائكة الغضب و عدله جهنم و سائت مصيراً؛ هرگاه مردی جوانی را از روی شهوت ببوسد ملائکه‌های آسمان و ملائکه‌های زمین و ملائکه رحمت و ملائکه غضب او را لعنت کنند و جهنم برایش آماده شود و مکان بدی جایگاهش می‌باشد»

و نیز از پیغمبر (ص) مروی است که: «من قبل غلاماً بشهوه عذبه الله تعالی الف عام فی النار؛ کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در آتش جهنم، هزار سال معذب می‌فرماید.» و اگر مسلم شد که کسی جوانی را از روی شهوت بوسیده باید حد بخورد و حدش از سی تا نود تازیانه است هر قدر که حاکم شرع صلاح بداند او را می‌زند.

خوابیدن دو مرد یا دو زن

خوابیدن دو مرد در یک بستر و زیر یک لحاف در صورتی که هر دو عریان باشند، حرام است و همچنین است حکم دو زن، و فرقی بین محرم و بیگانه نیست. و در چند روایت است که باید آنها را حد زد و برایش هم حد زنا معین شده یعنی آنها را یکصد تازیانه بزنند. در باب دوم این رساله ضمن گناه مساحقه ذکر می‌شود که بنا بر مشهور پس از اثبات در نزد حاکم شرع باید تعزیر شود به کمتر از حد (صد تازیانه). و بعضی از علماء فرموده‌اند که چون برای خوابیدن دو مرد عریان زیر یک لحاف حد معین شده، پس از گناهان کبیره است.

و از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مروی است که: «قال رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الصبی و الصبی و الصبی و الصبیة و الصبیة و الصبیة یفرق بینهم فی المضاجع لعشر سنین؛ بستر فرزندان خود را از سن ده سالگی جدا سازید، یعنی دو برادر یا دو خواهر یا برادر و خواهر زیر یک لحاف از همان کوچکی نخوابند.»



اثبات لواط

و از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مروی است که: پس از کشتن، بدنش را به آتش بسوزانید و این گناه بزرگ مانند زنا به یکی از دو چیز ثابت می شود: یکی اقرار است به اینکه فاعل یا مفعول یا هر دو به این گناه خود چهار مرتبه اقرار کند و اگر کمتر از چهار مرتبه اقرار کند حد بر او جاری نمی شود و تنها تعزیر (تادیب) می شود و بعضی از فقهاء فرموده اند چهار مرتبه اقرار باید در چهار مجلس واقع شود و شرط است در اقرارکننده بلوغ (پس اگر نابالغ باشد تادیب باید شود.) و کمال عقل و حریت و اختیار (پس اگر به اجبار و اکراه بوده حد ندارد.)

دوم شهادت چهار مرد عادل بالمعاینه است یعنی بگویند به چشم خود دیدیم که فلان با فلان لواط نموده و اگر گواهی دهنده گان کمتر از چهار نفر باشند گواهی آنها رد می شود و حد جاری نمی گردد بلکه حد قذف که بعداً ذکر می شود بر آنها باید جاری شود و اگر شخص لاطی پیش از گواهی شهود توبه کند حد بر او جاری نمی شود. و هر یک از اقرار و گواهی اگر بر دخول در دبر باشد حد آن کشتن است و اگر بر تفخیز یعنی دخول در الیه و رانها باشد حد آن یکصد تازیانه است.

آیه ۷۹ سوره اعراف: فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ (پس (صالح) از آنان روی برگرداند و گفت: ای قوم من! همانا پیام پروردگارم را به شما رساندم و برای شما خیرخواهی کردم، ولی شما دلسوزان و خیرخواهان را دوست ندارید.)

نکته ها: احتمال دارد سخن حضرت صالح، قبل از نزول عذاب و به عنوان اتمام حجت باشد، و ممکن است پس از هلاکتشان باشد، آنگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر لب چاه بدر با اجساد کفار سخن گفت پرسیدند: مگر آنان می شنوند، فرمودند: آری، شما از آنها شنواتر نیستید.

آیه ۸۱ سوره اعراف: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (همانا شما به جای زنان، برای شهوت سراغ مردان می روید، بلکه شما قومی اسراف کارید.)

نکته ها و پیام ها: حضرت ابراهیم، حضرت لوط را به منطقه ای که در آن گناه و فحشا رواج داشت فرستاد. لذا بخش مهم کار حضرت لوط، مبارزه با فحشا و منکرات جنسی بود، که بیشترین مشکل جامعه بود. قوم حضرت لوط، با مهمانان خود عمل زشت لواط انجام را می دادند تا مردم از مهمان شدن بترسند. به گفته ی قرآن، حضرت لوط علیه السلام ازدواج با دختران خود را به آنان



پیشنهاد کرد، اما آنان نپذیرفتند. همجنس‌بازی و لواط، از گناهان کبیره و عملی بسیار زشت است. «الفاحشه» ابداع‌کنندگان اعمال زشت، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر می‌باشند. «ما سبقکم بها من احد من العالمین» لواط، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است. «دون النساء بل انتم قوم مسرفون»

آیه ۸۲ سوره اعراف: وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أُخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ (و جواب قوم لوط، جز این نبود که گفتند: آنان را از آبادی خود بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما نیستند).) در این آیه نکته و پیام خاصی وجود نداشت.

آیه ۸۳ سوره اعراف: فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (پس ما لوط و خاندان او را به جز همسرش، که از بازماندگان (در عذاب) بود، نجات بخشیدیم.)

نکته‌ها: «غایر»، به معنای بازمانده است. کسی که همراهانش بروند و او باقی بماند. بنابراین لوط و یارانش از شهر خارج شدند و زمینه‌ی عذاب فراهم شد.

«اهل»، هم به خویشاوندان نزدیک گفته می‌شود و هم به پیروان راستین، ولی با توجه به آیه ۳۶ سوره ذاریات، به جز خویشاوندان نزدیک، هیچ‌کس به آن حضرت ایمان نیاورد.

آیه ۵۵ سوره نمل: أَلَيْسَ لَكُم مِّنَ الرَّجَالِ شَهْوَةٌ مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (آیا شما با بودن زنان، برای غریزه‌ی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ بلکه شما مردمی (نادان و) جهالت پیشه‌اید.)

نکته‌ها و پیام‌ها: قوم لوط در برابر چشم یکدیگر و در جلسه‌ی علنی، لواط می‌کردند. در آیه‌ی ۲۹۹ عنکبوت می‌خوانیم: (و تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرِ) یعنی شما در انجمن و جلسه‌ی علنی، منکر انجام می‌دهید. در این آیه نیز می‌فرماید: (و انتم تبصرون) یعنی در برابر چشم یکدیگر و یا با بصیرت و آگاهی گناه می‌کنید.

لواط از گناهان کبیره است، زیرا در آیات بعد آمده است که عذاب الهی را به دنبال دارد.

در آیات دیگر قرآن کریم آمده است: همسر برای آرامش، تربیت نسل و تعاون در زندگی، است، ولی در این جا تنها مسأله‌ی شهوت را بیان کرده است، زیرا قوم لوط هدفی جز شهوت نداشتند. (شهوة من دون النساء). حرمت لواط، مخصوص اسلام نیست.



(أتأتون الفاحشه) زشتی لواط بر همه روشن است. (و انتم تبصرون) هم جنس گرایی، برخاسته از بی فرهنگی است. علم و دانشی که انسان را از گناه باز ندارد، جهل است. (لتأتون الرجال... انتم قوم تجهلون)

گفتار سوم:

توبه لواط کننده

کسی که لواط کرده، اگر قبل از گواهی شاهدان، توبه کند، حد ساقط می شود و اگر بعد از آن توبه کند، ساقط نمی شود و چنانچه ثبوت آن به واسطه اقرار باشد، سپس توبه کند، امام (علیه السلام) و همچنین نایب او حق دارد، او را ببخشد یا حد بر وی جاری کند. در فروع کافی کتاب الحدود از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند که: «روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میان جماعت اصحاب بودند مردی آمد و گفت یا امیر المؤمنین، با پسری لواط نموده ام پاکم کن، (یعنی بر من اجرای حد فرما). حضرت فرمود: برو به خانهات شاید سودائی در طبعت حرکت کرده باشد، (چون به سبب احتمال شبهه، حد ساقط می شود لذا فرمود شاید حواست حاضر نیست و اقرار از روی کمال عقل و شعور نیست). روز دیگر آمد و همان اقرار را کرد و خواهش اجرای حد را تکرار نمود.

حضرت ثانیاً فرمود: به منزلت رو، شاید سودائی در طبعت حرکت کرده و چنین اقراری می کنی تا آنکه سه مرتبه باز گشته و همان طور اقرار و سپس خواهشش را تکرار کرد. در مرتبه چهارم حضرت فرمود: پیغمبر (ص) در این واقعه سه حکم فرموده هر یک را می خواهی اختیار کن یکی این که دست و پایت را ببندند و از کوه پرتاب کنند یا این که با شمشیر تو را بکشند یا با آتش تو را بسوزانند؟ عرض کرد یا علی کدام یک از اینها دشوارتر است، فرمود سوزاندن با آتش، گفت آن را اختیار کردم.

حضرت فرمود: تهیهی کار خودت را بکن، گفت چنین خواهم کرد، پس برخاست و دو رکعت نماز خواند سپس گفت خدایا گناهی از من سر زده که تو به آن دانایی و من از گناه خود ترسیدم و به نزد وصی رسول تو آمدم و از او خواهش کردم مرا از گناه پاک کند، او مرا بین سه نوع عقوبت مختار فرمود خداوند من آن را که سخت تر بود انتخاب کردم از تو می خواهم که این عقوبت را کفارهی گناهان من گردانی و مرا در آخرت به آتش خود در جهنم نسوزانی پس گریان برخاست و در گودالی پر از آتش که برایش آماده شده بود نشست آتش از اطرافش شعله می کشید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر حالتش رقت فرمود و گریان شد و اصحاب همه به گریه درآمدند، پس از آن، حضرت فرمود: برخیز ای مرد که ملائکه آسمان و زمین را به گریه درآوردی به درستی که خداوند توبهات را پذیرفت، برخیز و به آن گناهی که کردی نباید برگردی.»



Iran Academy of
Science and Technology

نتیجه گیری:

در واقع لواط به معنای عملی است که قوم لوط مرتکب بلکه مبدع آن عمل زشت شدند. اخیراً عبارت نوظهور داعش که مخفف دولت اسلامی عراق و شام است مشتقات مختلفی مانند تدعش و غیره ساخته شده است. کسی که لواط کرده، اگر قبل از گواهی شاهدان، توبه کند، حد ساقط می‌شود و اگر بعد از آن توبه کند، ساقط نمی‌شود و چنانچه ثبوت آن به واسطه اقرار باشد، سپس توبه کند، امام (علیه السلام) و همچنین نایب او حق دارد، او را ببخشد یا حد بر وی جاری کند.

منابع و مأخذ

- ۱- بازگیر، یدالله؛ (۱۳۸۲)، «قانون مجازات اسلامی در آینه آراء دیوان عالی کشور (حدود)»، تهران، انتشارات بازگیر، چاپ دوم
- ۲- خویی موسوی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، «مبانی تکمله المنهاج»، قم، مؤسسه احیاء امام خویی، چاپ اول، جلد ۱.
- ۳- زراعت، عباس، (۱۳۸۰)، «قانون مجازات در نظم حقوق کنونی»، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- ۴- گلدوزیان، ایرج، «حقوق جزای عمومی»، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۵- منصور، جهانگیر، (۱۳۹۲)، «قانون مجازات اسلامی»، تهران، نشر دیدار
- ۶- نوربها، رضا، (۱۳۸۷)، «زمینه حقوق جزای عمومی»، تهران، گنج دانش، چاپ ۲۳
- ۷- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۴)، «جرایم علیه عفت عمومی»، تهران، انتشار امیرکبیر، چاپ هفتم
- ۸- «تحریر الروضه فی شرح اللمعه»، تألیف محمد ابن مکی، زین العابدین ابن علی؛ ترجمه و توضیح: دکتر سید محمد صدری